

خارج اصول

جلسه ۱۰۴ * دوشنبه ۱۲ / ۳ / ۹۹

موضوع: مسأله ی ضد - ترتب

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين.
لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم.

۵۸۶۱- وَ سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّاهِدِ فِي الدُّنْيَا؛ قَالَ: الَّذِي يَثْرُكُ حَالَهَا (۱) مَخَافَةَ حِسَابِهِ
وَ يَثْرُكُ حَرَامَهَا مَخَافَةَ عَذَابِهِ.^۱

(۱) منظور ترک مصرف بیش از اندازه است نه اینکه اصلاً استفاده نکند؛ یعنی در مصرف کردن
دقت و دغدغه ی حساب دارد و به اندازه مصرف می کند.



گفتیم در باب ترتب دو مسلک وجود دارد: مسلک حکم یا امر و مسلک امتثال؛ مختار شهید
صدر، محقق نائینی و همچنین مختار ما مسلک امتثال است.

عناصر تشکیل دهنده ی مسلک امتثال

۱. تکلیف در باب ضدین از نظر اقتضاء، مصلحت و جعل، هیچ استحاله ای بدنبال ندارد و هر دو
وجوب (اهم و مهم) می تواند در عالم جعل وجود داشته باشد.

۲. قدرت در باب تکالیف بمعنای امکان امتثال دستورات شریعت است و چیزی جز یکی از شروط
عامه ی تکلیف نیست و هر تکلیفی بالنسبه با قدرت مشروط است و قدرت از شؤون فعلیت
تکلیف است نه از شؤون اقتضاء و جعل؛ کسی که مشغول انجام کاری باشد قدرت تکوینی بر اتیان
ضد آن را ندارد. بنابراین اصطلاح قدرت بمعنی الأعمّ چیز جدیدی نیست.

۳. هرگاه وجوب ضدّ، مشروط به ترک دیگر شود معنایش آن است که وجوب واجب مشروط،
ذی المقدّمه است و ترک واجب مطلق، مقدّمه آن می باشد.

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۴۰۱

۴. در باب ضدّین بین واجب مشروط و مطلق، ممانعتی از نظر حکم وجود ندارد؛ آری در عالم امتثال، ممانعت وجود دارد.

۵. امتثال واجب مطلق، موجب نفی شرط و در نتیجه نفی موضوع واجب مشروط است (نفی موضوع به نفی شرط آن) زیرا شرط وجوب واجب مشروط، ترک واجب مطلق است؛.

۶. در صورت وجود شرط واجب مشروط و فعلیّت وجوبش، مانعی برای طلب و امتثال آن وجود ندارد ولی از بین رفتن شرط و عدم فعلیّت وجوبش، مانع امتثالش می شود.

۷. هیچ واجب مشروطی نمی تواند مقتضی یا شرط خود را اثبات کند. مثلاً حجّ مثبت استطاعت نیست. در مانحن فیه نیز وجوب صلاة، مثبت ترک ازاله نیست.

۸. داستان متضادّین در باب تکالیف شرعی داستان واجب مطلق و مشروط است و این دو صورت دارد: (۱) یکی مطلق و یکی مشروط باشد: در اینصورت ترتّب یک طرفی است مانند نماز مشروط و ازاله ی مطلق؛ (۲) هر دو مشروط باشند: در اینصورت ترتّب دو طرفی است.

۹. در باب واجب مطلق و مشروط آنچه موجب اطلاق و اشتراط می شود قوّت و ضعف ملاک می باشد؛ هرکدام از دو ضدّ که ملاکش اقوی است مطلق است و ضدّ دیگر که ملاکش اضعف است مشروط می باشد. و اگر ملاکشان مساوی باشد، هر دو مشروط می شوند و ترتّب دو طرفی است.

۱۰. امر به اهمّ، مطلق است و امر به مهمّ، مشروط می باشد؛ لذا در مانحن فیه عقل می گوید اگر مکلف بخواهد گرفتار هیچ معصیتی نشود باید اوّل اهمّ را امتثال کند سپس مشغول به مهمّ شود. البتّه اگر اهمّ را ترک کند و مهمّ را انجام دهد صحیح است اما بخاطر ترک اهمّ، معصیت کرده است.

نتیجه

نتیجه ی این عناصر ده گانه اینن است که ترتّب بالنسبه با امتثال و عدم امتثال، امری ممکن است یعنی می توان توسط ترتّب، امر به مهمّ را فعلی کرد و در نتیجه اتیان مهمّ اگر عبادت باشد صحیح است. ترک واجب اهمّ، مقدّمه ی وجوب و فعلیّت واجب مهمّ می باشد؛ و با اثبات امکان ترتّب، وقوع آن نیز ثابت می شود و نیاز به ادله ی خاصّی برای اثبات وقوع نیست.

(پایان)